



نویسنده

● دکتر حسن تلاشان

اشاره

دکتر حسن تلاشان در این نوشتار با مقایسه عملکرد احزاب قبل و بعد از انقلاب، با تعریف حزب و فلسفه وجودی آن در معادلات سیاسی اجتماعی هر کشور، عدم موفقیت احزاب در ایران در قبل و بعد از انقلاب را ناشی از خروج آن‌ها از دایره تعریف شده، وابستگی بیش تر به بیگانگان و عدم احترام به اعتقادات عامه مردم برمی شمارد و با نقد کارکرد منفی احزاب، فاصله گرفتن مردم از آن‌ها را امری طبیعی تلقی می کند.

مقدمه

در ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که نام «حزب» برای تشکل‌های سیاسی که قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران فعالیت داشته‌اند، با اندکی مسامحه استفاده می‌شود؛ زیرا حزب دارای تعریف و ویژگی‌های معینی است که هیچ کدام از احزاب ایرانی از آن ویژگی‌ها به طور کامل برخوردار نیستند. در حال حاضر، احزاب به معنای واقعی آن در بسیاری از جوامع غربی مشاهده می‌شود. از جمله کارکردهای احزاب کامل عبارتند از: مشارکت سیاسی، مشروعیت سیاسی.

# حزب احزاب در انقلاب ناموفق بودند؟



شدت فعال بوده‌اند. با سابقه‌ترین حزب در ایران، حزب توده است که وابستگی آن به شوروی سابق، بر همگان آشکار است. هنگامی که منافع ایران و شوروی در تضاد قرار می‌گرفت، این حزب منافع شوروی را بر منافع ملی ترجیح می‌داد؛ به طور کلی احزابی را وابسته به بیگانه می‌نامند که منافع قدرت‌های خارجی را بر منافع ملی ترجیح دهند. به احزابی نیز که از بعد ایدئولوژیکی و فکری، با قدرت‌های بیگانه مشترک هستند، به گونه‌ای که این امر باعث موضع‌گیری علیه منافع و امنیت ملی کشور شود، احزاب وابسته اطلاق می‌شود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از احزاب وابسته به قدرت‌های شرقی و غربی، در ایران پا به عرصه وجود گذاشتند که نه تنها پر خورد نظام با آن‌ها را در پی داشت، بلکه به جایگاه احزاب در نزد مردم بیش از پیش ضربه زدند و باعث دوری جستن جامعه از آن‌ها شدند. این عامل نیز در عدم موفقیت احزاب در انجام رسالت انقلابی خود در این دوره، نقش مهمی ایفا کرد.

۴. نبود فرهنگ تحزب  
فرهنگ، عبارت است از: «مجموعه‌ای از عادات، آداب و رسوم، ارزش‌ها، اعتقادات و هنجارها که در طول زمان شکل گرفته و تحت تأثیر وقایع و تجربیات تاریخی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و در قالب آن‌ها نهادها، رفتارها و ساختارها برای نیل به اهداف اجتماعی شکل گرفته است.»  
فرهنگ ایرانی به معنای اعم و فرهنگ سیاسی به معنای اخص، در طول یک دوره تاریخی و تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله استبداد و استعمار شکل گرفته است. بنابراین طبیعی است که برای ایجاد فرهنگی مبتنی بر مردم سالاری دینی که در آن نهاد‌های مدنی جدیدی همچون احزاب پا به عرصه وجود گذارند، بستر مناسب فراهم نباشد. در این حالت، احزاب نیز می‌توانند تحت تأثیر فرهنگ گذشته قرار گرفته، خود عامل استبداد، خودکامگی، گسترش نفوذیگانگان و سرکوب آزادی شوند؛ همان‌طور که اروپا نیز در گذشته شاهد

## یکی از دلایل پایدار نبودن احزاب در جمهوری اسلامی ایران عدم توجه مردم به آن‌هاست.

## بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از احزاب وابسته به قدرت‌های شرقی و غربی، در ایران پا به عرصه وجود گذاشتند که نه تنها پر خورد نظام با آن‌ها را در پی داشت، بلکه به جایگاه احزاب در نزد مردم بیش از پیش ضربه زدند و باعث دوری جستن جامعه از آن‌ها شدند.

که آثار و نتایج منفی نیز به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر، احزابی در اهداف حزبی خود موفق خواهند بود که بتوانند به کسب آرای عمومی نایل شوند. طبیعی است که در صورت عدم احترام به اعتقادات و ارزش‌های جامعه، در انجام اهداف حزبی خود موفق نخواهند شد. بنابراین در صورت توجه به اعتقادات و ارزش‌های افراد جامعه، می‌توان از آثار زیان‌بار و منفی احزاب کاست. موفقیت احزاب هنگامی افزایش خواهد یافت که نه تنها به عقاید و ارزش‌های مردم احترام قائل شوند، بلکه خود نیز با مردم هم‌عقیده باشند.

۳. وابستگی به کشورهای بیگانه  
قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی احزابی که به طور آشکار یا پنهان به قدرت‌های خارجی وابسته بودند، به

یکپارچگی و وحدت ملی، مدیریت منازعات، جامعه‌پذیری سیاسی، شایسته‌سالاری، دموکراتیزه کردن جامعه، ثبات نظام سیاسی، نظارت، تجمیع نظرها و خواسته‌ها و تربیت نیروهای کارآمد برای توسعه نظام سیاسی. احزاب ایرانی هرگز کارکردهای مثبت را به طور کامل نداشته‌اند بلکه بسیاری از آن‌ها کارکردهای منفی و خلاف عملکردهای مذکور داشته‌اند. افزون بر آن، بسیاری از ویژگی‌های دیگر احزاب کامل نیز در احزاب ایران مشاهده نمی‌شود که ذکر آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد.

## دلایل عدم موفقیت احزاب

۱. مخالفت با اصول نظام سیاسی حاکم  
اصل اولیه تشکیل هر حزبی، پذیرش نظام سیاسی حاکم است؛ در غیر این صورت برای مبارزه با نظام موجود، باید به تشکیل گروه‌های زیرزمینی اقدام کرد. فلسفه تشکیل احزاب، مبارزه رقابت‌آمیز در درون نظام جهت کسب قدرت است. مبارزه علیه نظام به معنای مبارزه از بیرون است. هدف اصلی بسیاری از احزابی که از گذشته تا به حال در ایران تشکیل شده‌اند، براندازی نظام موجود بوده است. طبیعی است که هر نظامی به محض آگاهی از هدف براندازی این‌گونه احزاب، در صدد سرکوبی آن‌ها برمی‌آید.

۲. عدم احترام به اعتقادات و ارزش‌های مردم  
در هر جامعه‌ای ارزش‌ها و اعتقاداتی عمومی وجود دارد که همه افراد آن جامعه برای حفظ و تداوم آن‌ها حاضرند دشواری‌ها را تحمل کنند و حتی از مال و جان خود نیز بگذرند. از سوی دیگر، این حق مردم یک جامعه است که دیگران برای اعتقادات و ارزش‌های آن‌ها احترام قائل شوند. پدیده‌ای است عدم توجه احزاب به این مهم، نه تنها امنیت و احساس امنیت اجتماعی را افزایش نخواهد داد،

**تحرز ممکن است آثار و نتایج مثبتی برای منافع و امنیت ملی به همراه داشته باشد؛ اما شتاب در این زمینه بدون بسترسازی فرهنگی مناسب می‌تواند مشکلات سیاسی و اجتماعی در پی داشته باشد.**

**رفتار انتخاباتی مردم در بیش از ۲۵ سال گذشته، حاکی از عدم توجه جامعه به احزاب و کاندیداهای اعلام شده توسط آنها است.**

وجود این گونه احزاب بوده است. بنابر این باید در درازمدت بستر مناسب فرهنگی را برای فعالیت آزاد و قانونمند احزاب فراهم ساخت.

جالب توجه این که بسیاری از طرفداران تحرز، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از ویژگی‌های مغایر با فرهنگ تحرز مانند: خشونت‌طلبی، انحصارطلبی، قانون‌گریزی و عدم پذیرش آشکار و پنهان نظام و اصول و ارزش‌های حاکم بر آن برخوردار بودند. همین امر نه تنها باعث عدم حرکت به سوی فرهنگ‌سازی برای فعالیت مثبت احزاب نشده بلکه فرهنگ حزب‌گریزی را تشدید کرده است. تحرز ممکن است آثار و نتایج مثبتی برای منافع و امنیت ملی به همراه داشته باشد؛ اما شتاب در این زمینه بدون بسترسازی فرهنگی مناسب می‌تواند مشکلات سیاسی و اجتماعی در پی داشته باشد.

۵. بی‌توجهی احزاب به رسالت خود در یک پژوهش گسترده که نویسنده در این باره انجام داده است، نه حزب که مربوط به قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هستند، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این احزاب عبارتند از: اجتماعيون - عاميون، توده ایران، دموکرات آذربایجان، اراده ائتلاف جبهه ملی، رستاخیز، نهضت آزادی ایران، جمهوری اسلامی و کارگزاران سازندگی. در تجزیه و تحلیل نهایی نتایجی حاصل شد؛ از جمله: الف - فراوانی کارکردهای منفی احزاب، چه از جهت عمودی و چه از جهت افقی، بیش‌تر از کارکردهای مثبت آنها بوده است.

ب - ایجاد بحران در جامعه، تضعیف همبستگی ملی، هموار کردن راه نفوذ بیگانگان، عوام‌فریبی، بی‌ثبات کردن نظام سیاسی و ایجاد انحصار و محدودیت از جمله کارکردهای منفی احزاب بوده است.

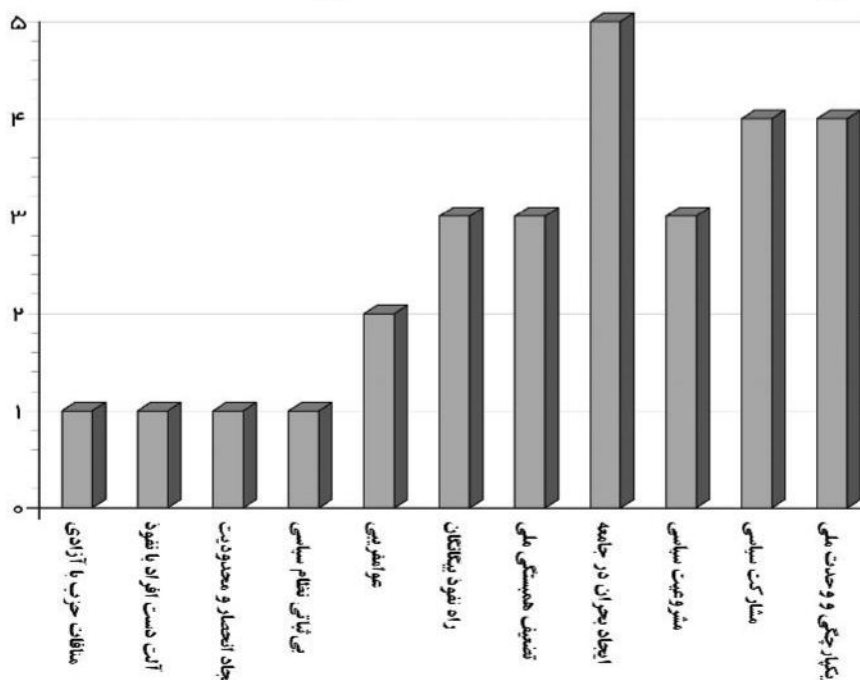
ج - از نه حزب مورد مطالعه، اقدامات پنج مورد از آنها باعث ایجاد بحران و یا افزایش آن در جامعه شده است. این کارکرد در بین کارکردهای مثبت و منفی، بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده

#### کتاب‌شناسی

۱. تبریرینا، حسین، برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، مشهد، سیاوش، ۱۳۷۷.
۲. تلاشان، حسن، تحرز و امنیت ج. ا. ایران و استراتژی بهینه در این راستا، دانش‌نامه دکترا.
۳. دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، مجموعه مقالات تحرز و توسعه سیاسی، تهران، همشهری، ۱۳۷۸.
۴. دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، مجموعه مقالات مشارکت سیاسی در احزاب انتخابات، تهران، سفیر، ۱۳۷۸.
۵. نقیب‌زاده، احمد، حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران، دادگستر، ۱۳۷۸.

#### پی‌نوشت

۱. برای مطالعه بیش‌تر رجوع کنید به نمودار مربوط.



ب - ایجاد بحران در جامعه، تضعیف همبستگی ملی، هموار کردن راه نفوذ بیگانگان، عوام‌فریبی، بی‌ثبات کردن نظام سیاسی و ایجاد انحصار و محدودیت از جمله کارکردهای منفی احزاب بوده است.

ج - از نه حزب مورد مطالعه، اقدامات پنج مورد از آنها باعث ایجاد بحران و یا افزایش آن در جامعه شده است. این کارکرد در بین کارکردهای مثبت و منفی، بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده